

شماره ترتیب چاپ: ۸۱۲  
شماره چاپ سابقه: —  
شماره دفتر ثبت: ۳۱۷

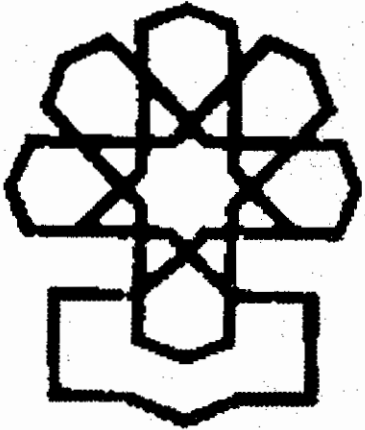


دوره ششم - سال دوم  
۱۳۸۰-۱۳۸۱  
تاریخ چاپ ۱۳۸۰/۶/۱۵

گزارش کارشناسی درباره لایحه:

# عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در برخی از سازمان‌های بین‌المللی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و کتابخانه ملی  
شماره: ۱۴۲۹۹  
تاریخ: ۸۰/۸/۲



کمیسیون‌های ارجاعی امنیت ملی و سیاست خارجی

شماره مسلسل: ۶۲۱۰  
کد موضوعی: ۲۰۰

معاونت پژوهشی  
مهر ۱۳۸۰

کار: دفتر سیاسی - فرهنگی  
(کمیته سیاست خارجی و دفاعی)

عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در برخی از  
سازمان‌های بین‌المللی

کدموضوعی: ۲۰۰

شماره‌مسلسل: ۶۲۱۰

فهرست مطالب

۲	سؤال اصلی.....
۲	سؤالات فرعی.....
۲	مقدمه.....
۳	نگاهی به مفهوم سازمان‌های بین‌المللی.....
۳	نظریه سازمان‌های بین‌المللی.....
۴	شاخه اول، نظریه‌های دولت محوری.....
۷	شاخه دوم، نظریه‌های چند محوری.....
۷	شاخه سوم، مارکسیسم.....
۸	شاخه چهارم، جهان ستایی.....
۹	کتاب شناسی.....
۱۰	ارزیابی لایحه بر مبنای ملاحظات نظری.....
۱۲	پیشنهادها.....

## سؤال اصلی

سؤال اصلی لایحه حاضر این است که آیا الحاق جمهوری اسلامی ایران به برخی از سازمان‌های بین‌المللی با منافع درازمدت کشور هماهنگی دارد یا خیر؟

## سؤالات فرعی

۱. ظرفیت این سازمان‌ها برای عضویت جمهوری اسلامی ایران از لحاظ بین‌المللی چه میزان است؟
۲. پیامدهای عضویت جمهوری اسلامی ایران در این سازمان‌ها چه خواهد بود؟
۳. دستاورد الحاق جمهوری اسلامی ایران به این سازمان‌ها چه خواهد بود؟
۴. سیاست خارجی دستگاه دیپلماسی در رابطه با عضویت چگونه است؟
۵. محدودیت این سازمان‌ها چیست؟

## مقدمه

فرایند بین‌المللی شدن با سه نیروی اقتصادی انتقال کالا، خدمات و سرمایه به شدت ادامه دارد لذا سیاست‌های داخلی کشورها با تنش‌های غیر قابل پیش‌بینی مواجه شده. مثلاً قسری در اثر این فرایندهای بین‌المللی سقوط خواهد کرد و قشر دیگر جامعه که بر موج بین‌المللی شدن سوار است به سرعت راه ترقی خواهد پیمود. از این‌رو، دولت‌های ملی در صدد استمداد از نیروهای خارجی، یعنی سازمان‌های بین‌المللی بر خواهند آمد تا با برنامه‌های این سازمان‌ها به ایجاد ثبات اقتصادی، نظامی، سیاسی، اجتماعی و حقوق بشر در کشورهایشان کمک کنند. به همین سبب، قدرت دولت‌ها رو به افول خواهد گذاشت و اصول حاکمیت به شدت تحدید خواهد شد و با تحدید شدن اصل حاکمیت، اصل حقوق مالکانه و سایر اصولی که به مشروعیت سازمان‌های بین‌المللی - به عنوان یک متغیر مستقل - کمک می‌کنند، شکل خواهند گرفت و البته در این خصوص ایجاد رویه قضایی به مرور زمان نیاز دارد. هنوز سازمان‌ها مانند گیاهی هستند ضعیف که بذرشان توسط قدرت‌های بزرگ کاشته شده و مدت‌ها طول خواهد کشید تا به درخت تنومند تبدیل گردند.

## نگاهی به مفهوم سازمان‌های بین‌المللی

به طور کلی یکی از علل و عوامل مهم تغییر در نظام بین‌المللی، جنگ است. نشست‌هایی که پس از جنگ‌ها انجام گرفته یا تلاش‌هایی که برای پیشگیری از جنگ یا تنظیم مقررات درگیری‌های مسلحانه صورت پذیرفته دارای ترتیباتی بوده که به فرایند شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی کمک کرده است. به نظر عده‌ای از نویسندگان، سازمان‌های بین‌المللی اشکال جمعی یا ساختارهای اساسی سازمان اجتماعی‌اند که به موجب قانون یا سنت انسان‌ها ایجاد می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

در این چارچوب یک سازمان بین‌المللی نهادی دارای یک نظام رسمی، قواعد و اهداف و یک ابزار اداری خردمند است<sup>(۲)</sup> که تشکلاتی از قبیل «سازمان فنی رسمی و مادی یعنی قوانین، ابزار فیزیکی، کارمند و پرسنل، تشکلات اداری و غیره»<sup>(۳)</sup> دارد. به نظر یک متخصص سازمان ملل متحد، «سازمان بین‌المللی یک فرایند است... جنبه‌هایی از فرایند است که در مدتی مشخص حاصل می‌شود»<sup>(۴)</sup> برای عده‌ای دیگر<sup>(۵)</sup>، لذا سازمان‌های بین‌المللی عامل برقراری ثبات و ایجاد رفتار آمیخته با همکاری بین دولت‌ها هستند، یعنی در درجه نخست، همکاری برای پیشگیری از جنگ، برقراری ثبات، صلح و امنیت بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی و سپس برای توسعه کمی و کیفی ملت‌ها است. مفاهیم اصلی در سازمان‌های بین‌المللی به خصوص سازمان‌های دولتی، حول محورهای دیپلماسی، معاهدات، کنفرانس‌ها، قواعد درگیری‌های مسلحانه و استفاده از زور، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها، تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل، تجارت بین‌الملل، همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، همکاری‌های اجتماعی بین‌المللی، روابط فرهنگی، جهانگردی، ارتباطات جهانی، جهان وطنی، جنبش‌های طرفدار صلح، تشکیل جوامع و فدراسیون‌ها، امنیت دسته جمعی و جنبش‌های طرفدار دولت جهانی است که ریشه در فلسفه سیاسی دارند.

## نظریه سازمان‌های بین‌المللی

چهار شاخه نظریه در خصوص سازمان‌های بین‌المللی ارائه گردیده که شاخه اول نظریه‌های سنتی دولت محوری، شاخه دوم نظریه‌های چند محوری، شاخه سوم مارکسیسم و شاخه

ستنی دولت محوری، شاخه دوم نظریه‌های چند محوری، شاخه سوم مارکسیسم و شاخه چهارم نظریه‌های جهان ستایی است.

### شاخه اول، نظریه‌های دولت محوری

این شاخه به چهار گروه تقسیم می‌شود: الف) نویسندگان حقوق بین‌الملل؛ ب) حقوقدانان ایدئالیست؛ ج) رئالیست‌ها؛ د) نئورئالیست‌ها.

در خصوص نویسندگان حقوق بین‌الملل یادآوری این نکته حائز اهمیت است که این نویسندگان کمک شایانی به ارائه مفاهیم و عبارات توصیفی کرده‌اند. اولین فردی که واژه سازمان بین‌المللی را به کار برد، لوریمر<sup>۱</sup> استاد حقوق دانشگاه ادینبورو در سال ۱۸۶۷ در اسکاتلند بود. اثر زیمرن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۹ در مورد جامعه ملل، مقایسه سازمان ملل و جامعه ملل توسط بریلی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۶ در باب حقوق بین‌الملل در امور اقتصادی و اجتماعی، مطالعه توسعه حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۳۴ توسط لاترپاخت<sup>۴</sup> به خصوص در مورد نقش دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و نوشته‌های هودسن<sup>۵</sup> به سال ۱۹۴۴ در خصوص دیوان‌های بین‌الملل و مطالب جنکز<sup>۶</sup> در خصوص سازمان‌های بین‌المللی مؤید این نکته بود که باید فن و هنر حقوقدانان بین‌المللی با صبر و شکیبایی سیاستمداران در هم آمیزد تا یک سیستم مؤثر برای سازمان‌های بین‌المللی به وجود آید. در آثار شرمس<sup>۷</sup> ۱۹۷۲، ساوت<sup>۸</sup> ۱۹۷۰، و ریتز<sup>۹</sup> ۱۹۵۸، به سازمان‌های بین‌المللی به عنوان نهادهای جدید جامعه بین‌المللی توجه شده است.

این نویسندگان در کل به میثاق جامعه ملل و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در خصوص حفظ صلح (ماده ۱۶-۱۲) توجه خاص داشتند و هسته اصلی استدلال آن‌ها توافق

1. Lorimer
2. Zimmern
3. Brierly
4. Lauterpacht
5. Hudson
6. Jenks
7. Schermers
8. Bowett
9. Reuter

در خصوص مقررات حقوق بین‌الملل، و قضاوت و اجرای آن حقوقی بود و نقض این مقررات گناهی بزرگ تلقی می‌شد و بر عکس رعایت آن موجبات صلح را فراهم می‌کرد. اما وقتی منشور سازمان ملل به امضای دولت‌ها رسید و راه حل‌های سیاسی برای حل و فصل اختلاف‌های سیاسی به جای آن مقررات پذیرفته شد، حقوقدانان فوق سخت مأیوس شدند. سسیل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۴۱ استدلال کرده بود که تشکیلات دیگر نمی‌تواند موفق باشد، مگر این‌که دولت‌ها و ملت‌ها اجرای قانون و حفظ صلح را اولین و بزرگ‌ترین منافع ملی خود بشمرند،<sup>(۷)</sup> حال آن‌که کلسن<sup>۲</sup> (۱۹۵۰) گودریخ،<sup>۳</sup> هامبرو<sup>۴</sup> و سایمونز<sup>۵</sup> (۱۹۶۹) اذعان داشتند که در هنگام تفسیر منشور سازمان ملل فرایند تفسیر احتمالاً سیاسی خواهد بود تا قضایی؛ چراکه مسئولیت تفسیر به عهده ارکان و اعضای سازمان ملل است.<sup>(۸)</sup>

گروه دوم، حقوقدانان ایدئالیست مانند کلارک،<sup>۶</sup> و سان<sup>۷</sup> بدون در نظر گرفتن منافع قدرت‌هایی که سازمان ملل را تشکیل دادند، دو طرح در رابطه با سازمان ملل به عنوان مادر سازمان‌های بین‌المللی ارائه کردند: الف) تجدید نظر در منشور سازمان ملل؛ ب) امنیت و توسعه جدید جهانی که وظیفه سازمان ملل فعلی را بر عهده بگیرد. نوشته این گروه نیز بسیار هنجاری و غیر عملی بود. نمونه دیگر ایدئالیست‌ها، وولف<sup>۸</sup> بنیانگذار مکتب جامعه قایبان بود که معتقد بود اگر قرار است از جنگ پیشگیری شود دولت‌ها باید تسلیم یک نوع کنترل یا دولت بین‌المللی شوند.<sup>(۹)</sup> اما همان‌طور که هدلی بال<sup>۹</sup> استدلال کرده است این نویسندگان نقش سیاست بین‌الملل را نادیده گرفته‌اند.<sup>(۱۰)</sup>

گروه سوم از تو سیدید گرفته تا هابس، ماکیاولی، کار، مورگنتاؤ نیبور و دیگر رئالیست‌ها، سازمان‌های بین‌المللی را ابزار دست قدرت‌های بزرگ می‌دانند. سازمان‌ها، متغیرهای وابسته قدرت هستند و در دنیا اصل حاکم بر نظام - به عبارت دیگر منطق نظام - هرج و مرج

1. Cecil

2. Kelsen

3. Goodrich

4. Hambro

5. Simmons

6. Clark

7. Sohn

8. Woolf

9. Hedely Bull

است و هیچ گونه قاعده‌ای بر دنیا حاکم نیست. به عنوان مثال کار اظہار داشت در نظام بین‌الملل نقش قدرت بیش‌تر و نقش اخلاقیات کم‌تر است.<sup>(۱۱)</sup> ترس و عدم اعتماد باعث می‌شود آینده پیش‌بینی نشود. لذا جنگ یک پدیده اجتماعی و غیر قابل کنترل است. اسپار تا از ترس قوی‌تر شدن آتن، جنگ را آغاز می‌کند.<sup>(۱۲)</sup>

مورگنتا می‌گوید: مشکل ما این است که تکنیک‌ها یک جامعه جهانی ابتدایی را ایجاد کرده‌اند... جامعه‌ای بر اساس وابستگی دوجانبه (متقابل) ایجاد شده است. نه یک جامعه‌ای که بر اساس اعتماد و احترام باشد. به همین دلیل، سازمان ملل متحد بنا به نظر مورگنتا بر پایه‌های ناهم‌طن استوار است، چرا که پس از پیروزی، ابتدا دولت‌های بزرگ، مبادرت به ایجاد یک حکومت بین‌المللی برای حفظ وضعیت موجود کردند و پس از آن پیشنهاد کردند در مورد وضعیت موجود توافق کنند و چون این موافقتنامه هرگز به وجود نیامده لذا دولت بین‌المللی سازمان ملل به شرح پیش‌بینی شده در منشور سازمان ملل، سند مرده‌ای است.<sup>(۱۳)</sup> مورگنتا به شورای امنیت «فلج» اشاره کرد و اظهار داشت که مجمع عمومی و دبیر کل سازمان، از ضعف سازمان بوده و دستاورد آن در آینده ناچیز خواهد بود.<sup>(۱۴)</sup> در خصوص نهاد‌های سازمان ملل، مورگنتا معتقد است که نقش این نهادها مهم نخواهد بود و همگان در مقابل دیده‌های خود، بر خوردهای سیاسی زیادی را مشاهده خواهند کرد و شاهد تفرقه بین ملت‌های کره زمین خواهند بود. این سازمان اگر سلامت ملت‌های ضعیف را نابود نکند، دقیقاً آن را به خطر خواهد افکند.<sup>(۱۵)</sup>

گروه چهارم، یعنی نئورئالیست‌ها، همان مواضع رئالیست‌ها در خصوص سازمان‌های بین‌المللی را دارند. اما یا به قدرت و سیطره یک سرکرده نظامی یا اقتصادی مانند امریکا معتقد هستند<sup>(۱۶)</sup> یا با تحلیل سیستمی بر اساس موازنه قدرت به نیروی ساختار جهانی اعتقاد دارند که در واقع برآیند نیروها است و در آن، تصویر موقعیت دولت‌ها بر اساس توزیع قدرت است.<sup>(۱۷)</sup> به هر حال در این سیستم، دولت‌ها نمایشنامه‌ها را به صحنه می‌آورند، اگر قواعدی برخلاف میل آن‌ها باشد آن را نقض می‌کنند و قدرت نادیده گرفتن آن قواعد را دارند و قواعد جدیدی مطابق منافع خود ایجاد یا این‌که قواعد موجود را به نفع خود تفسیر می‌کنند.<sup>(۱۸)</sup>

## شاخهٔ دوم، نظریه‌های چند محوری

این شاخه که در واقع پلورالیسم مرکب از کارکردگرایی، نئوکارکردگرایی، همگرایی، وابستگی متقابل، نهادگرایی لیبرال، نهادگرایی نئولیبرال و رژیم‌های بین‌المللی را در بر می‌گیرد، همکاری بین دولت‌ها را امکان‌پذیر می‌داند. با وجود تفاوت‌های موجود میان آن‌ها، این شاخه را می‌توان در تضاد با شاخهٔ اول دانست؛ چراکه مطابق این نویسندگان، دولت‌ها تنها بازیگران روابط بین‌المللی نیستند. اگرچه این شاخه مبانی فکری خود را از علم اقتصاد گرفته، اما در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل نیز از این دیدگاه چند محوری (بازیگران جدید به نام سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و افراد در مقابل دولت‌ها) استفاده شده است. این نویسندگان به نقش مثبت سازمان‌های بین‌المللی اشاره کرده، نقش اطلاع‌رسانی سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان «فوروم» مناسبی برای رسیدن به تفاهم، مورد تأکید قرار می‌دهند. این شاخه به فرایند فراگیری<sup>۱</sup> اشاره می‌کند و معتقد است که سازمان‌های بین‌المللی به عنوان اقدام‌های امنیت‌آفرین (SBMs) و اقدام‌های اعتمادآفرین (CBMs) گام بسیار بزرگی برای از بین بردن ترس و وحشت در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند.<sup>(۱۹)</sup>

## شاخهٔ سوم، مارکسیسم

مارکس و انگلس به سازمان‌های بین‌المللی اشاره نکرده‌اند. حتی برخلاف رئالیست‌ها به دولت نیز توجه چندانی ندارند و معتقدند دولت‌ها سرانجام از بین رفته، سوسیالیسم بر دنیا حاکم می‌شود. از این نظر آن‌ها نیز با ایدئالیست‌ها تشابه خاصی دارند. مارکسیسم به ساختار اقتصادی جامعه معتقد است و اصول حاکم بر نظام بین‌الملل، به عبارت دیگر منطق نظام، شکل یا شیوهٔ تولید و تجارت تاریخی است. به عنوان مثال، مارکس انحصار تاریخی زیر را برای بشر پیش‌بینی کرده است: شکل تولید آسیایی، فئودالی، کاپیتالیسم و سوسیالیسم. تضاد در شکل تولید بر اساس اصل دیالکتیک باعث دگرگونی زیربنای می‌شود. مبارزات طبقاتی باعث به وجود آمدن نهادهای حقوقی، سیاسی و مذهبی می‌شود. به نظر مارکس «طبقه - و نه

دولت یا ملت‌ها - واحدهای اصلی تاریخ به شمار می‌آید و مبارزه طبقاتی - نه مناقشات دولت‌ها - هسته اصلی خواهد بود.<sup>(۲۰)</sup>

پیروان مارکس در چارچوب نظریه‌های امپریالیسم، وابستگی، توسعه، نظام سرمایه‌داری و مبادله نابرابر سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان متغیر مستقل به کار برده‌اند. تعدادی رابطه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را مثبت تلقی می‌کنند<sup>(۲۱)</sup> اما غالب مارکسیست‌ها این رابطه را منفی می‌دانند. آن‌ها که نقش سازمان‌ها را منفی تلقی می‌کنند، در واقع آن‌ها را ابزار دست نظام‌های سرمایه‌داری می‌دانند و خواستار دگرگونی اساسی در قواعد و مقررات این سازمان‌ها هستند و آن‌ها که برای سازمان‌های بین‌المللی نیز اهمیت قائل هستند، خواهان استفاده از نهادهای بین‌المللی برای تغییر نظام اقتصادی‌اند.

### شاخه چهارم، جهان ستایی

این گروه چه در میان سیاستمداران و نظریه‌پردازان و چه در میان حقوق‌دانان، اخلاقیون و مذهب‌یون بر اساس نظریه‌های هنجاری - یعنی باید باشد و نه هست - قضاوت می‌کنند. آن‌ها اصول حاکم بر نظام بین‌الملل را اخلاقیات و نیازهای بشری می‌دانند. برای آن‌ها منافع ملی باید از منظر جامعه جهانی و یک دهکده جهانی نگریده شود.<sup>(۲۲)</sup> اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، انفجار جمعیت، آلودگی هوا و انقلاب ارتباطات، تمرکز ثروت و گسترش فقر جهانی هستند، نه محلی یا ملی و این‌ها نیاز به آموزش همگان دارد. مسائل مربوط به سلامت انسان‌ها و رفاه بشریت نیاز به مشارکت همه مردم در تصمیم‌گیری دارد.<sup>(۲۳)</sup> مبارزه با بیماری، گرسنگی، بیسوادی و بیکاری نیاز به اقدام‌های همگانی دارد. این نویسندگان در صدد ایجاد سازمان‌های جهانی‌اند که وظایف دولت‌ها را بر عهده بگیرند و این مستلزم از بین رفتن دولت‌ها است، پدیده‌ای که تاکنون رخ نداده است. تردیدی نیست اصل حاکمیت از یک طرف ضعیف شده است، به نحوی که حتی افراد می‌توانند علیه دولت خود - برخلاف اصل حاکمیت - اقامه دعوا کنند؛ اما از طرف دیگر تعداد کشورها در حال تکثیر است و تعدادشان از ۷۵ کشور در سال ۱۹۴۵ به قریب ۲۰۰ کشور در پایان ۱۹۹۹ رسیده است.

1. Duverger, M. **The Study of Politics** (London: Nelson 1972), 8.
2. Selznick, p. **Leadership in Administration**", (New York: Harper and Row 1957),8.
3. Duverger M., **Ibid**, 68.
4. Claud Inis, L. **Swords into Plowshares**, 3 rd ed 4 th edn (London: University of London Press 1964, New York: Random House 1971), 4.  
- Claud Inis, L. "International Organization: the Process and the Institutions" in D. Sills (ed), **International Encyclopedin of the social Sciences**, Vol. 8, (New York: Macmillan and Free Press pp. 33-40).
5. Archer, Clive, **International Organization**, 2 nd edn, (London and New York: Routledge 1992), 2.
6. Bennett, Leroy A., 5 th edn, **International Organization: Prinicples and Lssues** (New Jersey: Prentice - Hall International, Inc., 1991).
7. Cecil, 1941: 349.
8. Goodrich, L.M., Hambro E. and Simmons, **Charter of the United Nations: Commen taryand Documents**, 3rd end(New York: Columbia University Press 1969), 15.
9. Woolf, L., **International Government**. 2 nd edn. (London: Allen and Unwin 1916). 228.
10. Bull. Hedely "The Theory of International Politics 1919 - 1969" in Porter, B. (ed.), **The Aberystwyth Papers: International Politics 1919-1916** (Oxford: OUP 1972)
11. Carr, E.h., **The Twenty years Crisis 1919-1939** (London: Macmillan 1939), 168.
12. Thucydides, **History of the Peloponnesian War**, Trans. Rex Warner (Harmonds worth, England and New York: Penguin Books 1982), 400-471 B.G.
13. Morgenthau, H.J., **Politics among Nations, the struggle for power and peace**, (New York: Alfred A. Knopt). 1960, 493.
14. Morgenthau, **Op. Cit.**, 496.

15. Morgenthau, **Op. Cit.**, 497.

16. Gilpin Robert, **War and Change in World Politics** (New York: Cambridge University Press 1981, 1987-89).

Gilpin, Robert, **The Political Economy of International Relations** (Princeton: Princeton University Press 1987).

- Gilpin, Robert, The Theory of Hegemonic war, in Robert Rothberg and Theodore Rabb (eds), **The Origin and Prevention of Major Wars.** (Cambridge: Cambridge University Press, 1989).

17. Waltz, Kenneth N., **Theory of International Politics** (Menlo Park: Addison-Wesley 1979).

18. Waltz, **Op. Cit.**, 94.

19. Keohane, Robert O., **After Hegemony: Cooperation and Discord in the world Political Economy** (Princeton: Princeton University Press, 1984).

20. Berki, R.N. "On Marxian Thought and the Problem of International Relations" **World Politics** 24 (1): 80-95.

21. Warren Bill, **Imperialism the Pioneer of Capitalism** (London: Verso, 1980).

22. Beitz., Charles R. **Political Theory and International Relations** (Princeton: Princeton University Press, 1979).

23. Sterling, 1974.

### ارزیابی لایحه بر مبنای ملاحظات نظری

با توجه به مقدمه و بحث نظری فوق می توان نتیجه گرفت که الحاق دولت ها به سازمان های فوق، فرصت ها و محدودیت هایی را برای دولت ها ایجاد می کند. بنابراین باید تک تک این سازمان ها مورد مطالعه قرار گیرند؛ اما از آن جا که مطالعه جداگانه هر یک از سازمان ها در حوصله لایحه حاضر نمی گنجد، سازمان های فوق الذکر در لایحه را می توان این گونه طبقه بندی کرد:

۱. سازمان های آموزش، پژوهشی و فرهنگی،

۲. سازمان‌های اقتصادی و بازرگانی،

۳. سازمان‌های مربوط به انرژی و سوخت،

۴. سازمان‌های سیاسی،

۵. سازمان‌های بهداشت،

۶. سازمان‌های ارتباطات،

۷. سازمان‌های کشاورزی،

۸. سازمان‌های حقوقی،

۹. سازمان‌های امنیتی،

۱۰. سازمان‌های عمرانی و توسعه.

در طبقه‌بندی فوق آسیب‌پذیری نسبت به سازمان‌های ۱، ۵، ۶، ۷ و ۱۰ کم‌تر است، لذا می‌توان با کم‌ترین قید احتیاط به این سازمان‌ها ملحق شد؛ اما الحاق به گروه دوم یعنی ۸، ۹، ۴ و ۲ نیاز به مطالعه بیشتر دارد. به عبارت دیگر، سازمان‌های آموزش، انرژی، بهداشت، ارتباطات، کشاورزی و عمرانی دارای کم‌ترین پیامدها هستند و در مقابل دستاوردهای بیش‌تری دارند، لکن الحاق به سازمان‌های امنیتی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی می‌توانند پیامدهای مهمی برای حاکمیت دولت داشته باشند. از این رو پیوستن به سازمان‌های امنیتی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی باید به دقت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. به‌عنوان مثال باید ظرفیت این سازمان‌ها، محدودیت آن‌ها (از قبیل محدودیت‌های ناشی از وابستگی به قدرت‌های بزرگ) و نیز محدودیت‌های مالی مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه اساسنامه و منشور این قبیل سازمان‌ها باید به طور مضیق و موسع تفسیر شوند.

حتی از میان چهار سازمان فوق یعنی امنیتی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی می‌توان سازمان اقتصادی را در دو مرحله کوتاه مدت و دراز مدت مورد بررسی قرار داد. به‌عنوان مثال، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی دارای پیامدهای ناگوار برای اقتصاد ایران و تولید کنندگان داخلی خواهد بود. برای مقابله با این امر باید سازمان‌ها و نهادهای داخلی ایجاد گردد، تا آثار منفی الحاق را به حداقل رساند و دولت بتواند در کوتاه مدت استراتژی بقای خود را حفظ کند. بنابراین باید اقداماتی موقت (interim measures) اتخاذ گردد، لکن چنانچه این دوره

انتقال بدون بحران شگرف پیموده شود، در دراز مدت الحاق به سازمان تجارت جهانی دارای دستاوردهای بسیار مفید خواهد بود.

از این رو از میان سازمان‌های فوق سه سازمان امنیتی، حقوقی و سیاسی باقی خواهند ماند که در خصوص آن‌ها نیاز به تأمل و درنگ محسوس‌تر است، چراکه این قبیل سازمان‌ها با استراتژی بقای جمهوری اسلامی ایران در رابطه خواهند بود. امنیت پدیده‌ای نیست که بتوان آن را به دیگران واگذار کرد. ایالات متحده آمریکا در دوران جنگ سرد عملاً به دشمن خود یعنی اتحاد شوروی گندم می‌فروخت، ولی هرگز حاضر نبود کوچک‌ترین قطعه یا اطلاعات مربوط به هواپیماهای جنگی خود را در اختیار روس‌ها قرار دهد.

سازمان‌های حقوقی نیز باید با دقت بیش‌تر مطالعه شوند، چراکه الحاق به برخی از آن‌ها می‌تواند از قوه قضاییه و محاکم داخلی سلب صلاحیت کند. پیوستن به سازمان‌های سیاسی نیز باید با احتیاط کامل صورت گیرد، چراکه می‌تواند اصل حاکمیت ایران را خدشه دار سازد.

#### پیشنهادها

الف) الحاق به سازمان آموزشی، پژوهشی فرهنگی و انرژی یا سوخت و بهداشت و ارتباطات و کشاورزی و توسعه و عمران دارای کم‌ترین پیامد بوده، جایز است.

ب) الحاق به سازمان‌های اقتصادی و بازرگانی باید توأم با برنامه‌ریزی داخلی در کوتاه‌مدت و الحاق به آن در دراز مدت باشد.

ج) الحاق به سازمان‌های امنیتی، حقوقی و سیاسی باید با مطالعه عمیق و انجام اصلاحات لازم انجام گیرد. منشور یا اساسنامه این قبیل سازمان‌ها باید از لحاظ امنیتی، حقوق و سیاسی مورد تفسیر مضیق و موسع قرار گرفته، تعدیلات لازم در آن صورت گیرد. در این قبیل منشورها باید اصول (principles)، هنجارها (norms) و قواعد (rules) و سرانجام رویه‌های تصمیم‌گیری (decision-making process)، بررسی و ضمانت‌اجرائی آن‌ها به دقت مطالعه شود.

د) از میان سازمان‌های امنیتی، حقوقی و سیاسی باز هم می‌توان بر سازمان‌های امنیتی تأکید بیش‌تر کرد، چراکه هر گونه ترک فعل (omission) و غفلت (laches) می‌تواند بقای جمهوری اسلامی ایران را با خطرهای جدی مواجه کند.